

زرتشت

بحث درباره اصول عقاید و مذاهب گوناگون در این مقال جایز نیست. بنابراین در اینجا تنها در باب پیدایش زرتشت و اصول عقاید او سخن می‌آوریم. پیش از بحث در باره اصول عقاید و ظهور زرتشت لازم میدانم در اطراف اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عصری که ایجادکننده زرتشت بود سخنی بیان آورم. خصوصیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر عصر در ایجاد نوابغ و بزرگان بسیار مؤثر است. يك ژنی یا نابه از میان مردم خویش و محیط مادی و شرائط عینی عصر خویش پا میگیرد و در مرحله‌ای اجتماع و محیط زندگی خود را تحت تأثیر قاطع و جامع خود قرار میدهد. از شرائط اجتماعی و اقتصادی عصر زرتشت اطلاع کافی در دست نیست آنچه میدانیم تنها دانش مختصری است از آنچه مورخین گفته‌اند و یا اطلاعات جسته و گریخته‌ایست که از گوشه و کنار جهان بدست ما رسیده. گواه بزرگ بر اثبات این تمدن عظیم همان آثار کهن تخت جمشید و سنگ نبشته‌های ایستون و لوحه‌های طلائی است که در طی سالهای گذشته بدست آمده است.

آثار بزرگ هنری پارس پلیر و بازار گاد شاهد و گواه وجود يك مدنیت بزرگ و مستحکم میباشند که متأسفانه در اثر حوادث و جریانات تاراجگرانه مورد هجوم و غارت ناجوانمردانه قلدران و بی دانش وافع گردید و یکبارہ زیرو رو شد. آثار ادبی و هنری یکبارہ از میان رفته و در میان شعله‌های آتش سوخته شد. مدنیت کهن بدست نیزه داران اسکندر درهم ریخت و شالوده آن از هم پاشید. اما نام آن از صفحه تاریخ محو نگردید و روز بروز در خاطره ها جای بیشتری را گرفت.

آئین زرتشت بعد از دین یهود کهن ترین آئین و مذهب جهان بحساب میآید. ظهور زرتشت را گروهی در حدود شش هزار سال پیش از میلاد

میداند و گروهی معتقدند که پیش از شش هزار سال قبل از میلاد ظهور نمود. افسانه هائی در باب تولد و ظهور زرتشت و رسیدن او بمقام پیغمبری بهار رسیده ولی این افسانه ها ومطالب کاملاً شبیه افسانه ها و داستانهای دیگر است و گویا رونوشتی از آنهاست. همچنین تشریح شرائط محیطی نیز دست کمی از افسانه ها و داستانهای خیالی ندارد. مثلاً در کتاب «زرتشت و اصول عقاید او» دربارهٔ پیدایش و ظهور زرتشت چنین نوشته شده است: پیش از پیدایش زرتشت، زشتی و بدی بر همه جا حکفرما بود. مردم به اصنام اعتقاد داشتند و بت های متعددی را پرستش میکردند. جادو و سحر رواج کامل داشت و جادوگران بر اجتماع حکمرانی داشتند تا اینکه زرتشت بدنیا آمد. هنگامیکه زرتشت بدنیا آمد بلافاصله بر چهرهٔ مادر خود خندید. این اولین معجزهٔ او بود. آثار خارجی از قبیل زلزله و سایر حوادث غیر مترقبه نیز صورت پذیرفت.

حتی مؤلف باین نکته که مردم در نواحی شمالی نوری دیدند که در آسمان ساظم گردید اشاره میکند و در جای دیگر میگوید: «علاوه بر این منجمین و جادوگران وجود نابه‌ای را پیشگویی کردند و نام او را هم گفتند.» مناقصین بخانهٔ زرتشت هجوم آوردند و در ضمن در خارج شهر آتشی بر پا ساختند تا زرتشت را در آن بسوزانند. زرتشت کودک را از خانهٔ خود بردند و بخارج شهر که آتش بزرگی بر پا ساخته بودند بردند. او را میان آتش گذاشتند و باین خیال که دیگر سوخته شده است بشهر بر گشتند. غافل از اینکه زرتشت در میان آتش زنده ماند و نجات یافت. زرتشت بزرگ شد و بسنی سالکی رسید و چون چهل سالش شد اصول عقاید خود را بیادان خود و مردم اظهار نمود: ولی عقاید و افکار او مورد قبول واقع نشد. روزی زرتشت با گشتاسب بحث کرد و عقاید خود را برایش گفت و گشتاسب عقاید او را اصولی منتهی و را پذیرفت و دستور داد آیات و بیانات او را بر روی پوست گاو بشکارند. بهمن بر زرتشت نازل میشد و دستورات خداوند را با او میداد (گوی بهمن همان جبرئیل باشد).

ملاحظه میکنیم که این شرح به افسانه بیشتر شباهت دارد و انسان را بیاد داستان ابراهیم و آتش میاندازد که «چنان دشمنان ابراهیم خلیل آتشی بر پا ساختند و او را در میان آتش افکندند اما با امر خدا آتش بر ابراهیم گلستان شد.»

اما آنچه در این مقاله مورد نظر است اصول عقاید و فلسفهٔ زرتشت

است. مسلم است که زرتشت و یا شخصی بنام زرتشت وجود داشته است و در جایی در اکناف همین سرزمین بدینا آمده و تحت شرایط مادی و مقتضیات زیستی زمان خود رشد و تکامل یافته ارتباطات میان خلق را درک کرده و سپس با بیان اصول عقاید خود عده‌ای را بگرد خویش جمع کرده و آنها را براهی که در نظر داشته هدایت نموده است.

پیامبر و مصلح مذهبی ایران باستان در اوستا بنام زرتسترا (۱) و در زبان فارسی زرتشت (۲) نامیده میشود. لغت جدید آن زوراستر (۳) از لاتین و یونانی اتخاذ شده است. گرچه شخصیت تاریخی او مورد قبول همگی است اما داستان زندگی و فعالیت های اجتماعی او اساس قابل اعتدای ندارد. تشخیص میان افسانه و واقعات زرتشت بسیار مشکل است. آنچه درباره او در کتب ذکر شده همان شرح و تفسیرهای افسانه‌مانندی است که درباره سایر بنیانگذاران مذاهب بین شده است. شخصیت، اصول عقاید و تحقیقات آنها با واقعات حیات و زندگی‌شان تطابقی ندارد و کاملاً دور از واقعیت و حقیقت است.

نویسندگان یونانی و رومی کرارا در آثار خود از زرتشت بعنوان پیشوای مذهبی نام برده اند.

افلاطون در السیبیاد (۴) اولین بار از او نام میبرد. پلینی (۵) و پلوتارک در آثار خود مفصلاً درباره معجزات او ذکر کرده اند. برخلاف انتظار در کتیبه‌های میخی هخامنشی از زرتشت ذکر بی‌نامی می‌آید. اما داریوش و همچنین سلسله هخامنشی از دودمان زرتشت می‌باشند. در کتاب دارمستر از زرتشت نام برده شده و او را خدای طوفان معرفی نموده است. این ذکر است که در افسانه و اساطیر یونان از زرتشت بعمل می‌آید: در گاتها بانغمه های مذهبی زرتشت در برابر ویشناسپ عقاید خود را اظهار میکنند اما گاتها تنها منظومه ایست از سرودهای مذهبی. گاتها واقعیت تاریخی را بیان نمیدارند. با مقایسه با زبور داود گاتها يك مجموعه ادبی است.

اما آنچه نسلهای ایرانی درباره شخصیت و اساس زندگی او بیان نموده اند از این قرار است:

- | | |
|-------------------|-------------------------------|
| 1 - Zarathustra . | 2 - Zardusht |
| 3 - Zoroaster . | 4 - Alcibiades 5 - Pliny |

« نام پدر زرتشت سپیتاما (۱) بود. زرتشت در کنار شعبه رود دارگا یا داریا (۲) زادگاه خود بزرگ شد. در افسانه های دیگر زادگاه او را شهر مدیا (۳) معبد ساسانیان معرفی کرده اند. زرتشت مانند سایر پیغمبران در روزهای اول عمر رویانی آسمانی و ربانی در سر داشت. در سی سالگی فرشته اعظم خدا بر او نازل شد و او را به مصاحبه با خدای بزرگ دعوت کرد. خدا دستوراتی باو داد و او را مأمور ساخت که بشریت را بآیین خویش آشنا سازد و بشریت را برای قبول عقاید عالی تر دعوت نماید. مزدا خدای بزرگ او را بدربار و یشتاب شاه رهبری و هدایت نمود.

وی عقاید خود و دستورات خدا را برای یشتاب شاه بیان داشت. در افسانه ها گفته شده است که زرتشت مدتی زندانی شد آنگاه آزاد گشت و به تبلیغ پرداخت.

یشتاب پیرو آئین مزدا گردید. در باریان و گروه زیادی از متابعین شاه پیرو آئین زرتشت شدند، دیگران نیز به او ملحق گشتند. زرتشت بسن هفتاد و هفت سالگی در حمله و هجوم تورانیان بقتل رسید. درباره زن و دختران او نیز چیزهایی نوشته اند اما سال تولد و وفات او از جهت تاریخی مبهم و تاریک است. تاریخ تولد او را مورخین یونانی پنج هزار سال قبل از جنگهای تروژن (۴) میدانند در حالیکه تمدن و فرهنگ پارسی تاریخ تولد زرتشت را حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد و تاریخ مرگ او را ۵۸۳ سال قبل از میلاد میدانند.

ادوارد میر (۵) تولد او را هزار سال پیش از میلاد مسیح میدانند. بطور کلی اصول عقاید زرتشت مبین خصوصیات و پایه گذار این عقیده میباشد.

معانی و توری که گرا را در گاتها ذکر شده است زرتشت بمزدا میگوید: من بر گزیده توام. از ازل بر گزیده تو بوده ام. دیگران یعنی آنهایی که با من از دین مزدا پرستی هستند دشمنان من بحساب می آیند. من بسوی دست تمنا دراز میکنم تو مرا حفظ کن آنچنانکه دوست دوست را حمایت کند.

1 - Spitama 2 - Darya or Darga 3 - Media
4 - Trojen 5 - Edward Meyer .

اصول عقاید .

ایرانیان و هندیان از جهت اساطیر با هم شباهت نزدیک دارند . نام خدایان از قبیل میترا در نزد هندیان کاملاً آشناست . اما پیش از آئین زرتشت گویا ایرانیان خورشید و ماه و ستارگان و غیره راستایش میکردند . در مذهب هندیان و ایرانیان باستان ارتباط نزدیکی از جهت خدایان و پرستش آنها وجود دارد .

از خصوصیات بارز مذهب زرتشت دو آلیسم (۱) است که بطور مشخص اصول متضاد و تضاد نیک و بد را بخوبی نشان میدهد . این دو نیرو یعنی نیروی نیکی و نیروی بدی دائماً در حال تضاد و نبرد با یکدیگرند . بطور ساده و واضح نیروی نیکی بوسیلهٔ اهورامزدا یا «مرد خدای بزرگ» و نقل کز رهبری میشود و نیروی بدی در دست اهریمن «دشمن روح و معنویات بشر» قرار دارد . هر دو هم اهورا مزدا و هم اهریمن در نبرد با یکدیگر دستیارانی دارند . در یک طرف گروه فرشتگان و فرشتگان مقرب و در جهت دیگر یاران شیطان و دیوها و دیوهای بزرگ صف کشیده اند . از مقربان اهورا مزدا امشاسپنتا (۲) سه گروه فرشتگان بزرگ هستند که اساس تقوی و برهبرکاری و عقاید و پندرنیک میباشند از مقربان اهریمن یکی دئوا (۳) و دیگری اشما (۴) میباشند .

از نظر آئین زرتشت جهان و تاریخ جهان به چهار هزاره تقسیم شده است . در هزارهٔ اول دوران حیات و خلق روح است . میدانیم که اهریمن وجود دارد . اهورا مزدا یا هر مزد پیش از آنکه شکل و هیولا را ایجاد کند دنیای روح را آفرید . وقتی اهریمن در یافت که دشمن در کار ایجاد دنیاست فوراً در صد برآمد که لشکر دیوها و شیاطین را بسیج کند .

در سه هزارهٔ دوم اهورا مزدا جهان مادی را ایجاد کرد . این جهان مورد هجوم اهریمن و یاران او قرار گرفت . در دورهٔ سوم نبرد بین اهریمن اهورا مزدا درگیر شد اهریمن بمکوشید روح بشر را تسخیر کند و این نبرد تا ظهور زرتشت ادامه یافت . اکنون یعنی زمان ظهور زرتشت چهارمین هزاره و دورهٔ آخر آغاز شده است . همه نبردها بر سر بشر است . بشر در انتخا

- | | |
|-------------|----------------------|
| 1 . Dualism | 2 . Amesha Spentas . |
| 3 . Daëva | 4 . Aëshma |

این دو راه یعنی راه اهریمن و اهورامزدا آزاد است. امکانی وجود دارد که جهان از بدی و فساد خالی شود. آئین زرتشت اطمینان میدهد که بایش گرفتن راه صحیح حق و راستی، بدی از جهان رخت بر خواهد بست. همانطور که در اوستا یاد شده با ایجاد يك پادشاهی نیک و صحیح میتوان باین مقصود رسید و بدی را از چهره جهان زدود. در آخر این دوره اهریمن آخرین نبرد خود را انجام میدهد و در این نبرد شکست خواهد خورد و نیکی و خوبی پیروز خواهد شد. پیروزی و تفوق نیکی بر بدی با احیای مردگان در روز قیامت و عدل نهائی توأم خواهد بود.

جنبه‌های اخلاقی آئین زرتشت .

ممکن است افرادی باشند که برای جنبه‌های اخلاقی از منته قدیم ارزشهای بی حدی قائل باشند. چون ما بیشتر تمایل باین داریم که سیما و جنبه نیک آنها را تأیید کنیم مطالعه اخلاقیات آئین زرتشت تنها حس تحسین و اکرام ما را نسبت بکیفیات عالی این آئین بر میانگیزاند. آنها نیز تحت فشار جبری شرائط محیط مادی خود بودند اما بهیچ وجه از جهت جنبه‌های اخلاقی تسلیم خصوصیات که امروز آنرا اخلاق جدید مینامیم و بآن افتخار میکنیم نگردیدند. پندار ها و اندیشه های نیک و خصوصیات اخلاقی آنها در کتاب مقدس اوستا منعکس است. این چند جمله ترجمه‌ای از آنهاست :

«من از این پس سو گندیاد میکنم که دزدی و غارت دامها و چارپایان، خرابی خانه‌ها و قریه‌ها، کار پرستشگران مزدای بزرگ نیست. من قول میدهم که همه خانه داران در امن و ایمنی بسر برند و هر جا با احشام خود آسوده زندگی کنند. من با دستهای برافراشته بسوی خدا، سو گندیاد میکنم که خرابی و تباهی را از سرزمین بشر براندازم و فساد و کینه توزی و حسادت را بقلمرو بشر راه ندهم. من خود اقرار میکنم که ستایشگر مزدای بزرگ هستم. من بشما سه چیز: پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را میآموزم و این کلام «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» آخرین شعار مشخص زرتشت است که در تمام نوشته‌ها و دستوره‌های او کاملاً هویدا است.

بشر باید هر روز در پاکی و خلوص روح و بدن خود بکوشد. خاک، هوا و آب را از اختلاط با ناپاکی و پلیدی محافظت کند. راستگویی و درست کرداری اساس این آئین است. بزرگترین وظیفه انسانی مهر بانی و سخاوت

است. کشت و زرع دشتها، پرورش اشجار و دامها و چاربايان جزء وظائف بزرگ مذهبی است. ازدواج حتی میان اقوام و خویشان مورد تأیید و تأکید این آئین است. تنهاراه نجات و آمرزش عمل و کردار نیک است. خدا در پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک و تقوی انگیز متجلی میشود.

شعائر مذهبی. در گاتها همانطور که قبلاً ذکر شد تعالیم شخصی زرتشت و شعائر مذهبی او مورد ذکر واقع شده است. زرتشت پیش از آنکه يك قانونگذار باشد يك پیغامبر و نبی است ولی تشریفات و تشکیلات مذهبی خاصی معین کرده است. موبدان در رأس تشکیلات مذهبی قرار دارند. مقام موبد موبدان موروثی است. برای سپاسگزاری و ستایش یزدان بجای قربانی، شیر و آب و نان را ترجیح میدهند. سنن و رسوم دیگری نیز وجود داشته است از جمله ها او ما (۱) شراب مقدس که بی شباهت به سمای (۲) هندوان نیست تهیه میشود. برای مردگان نیز تشریفات خاصی داشتند: اجساد مردگان را نیسوزاندند. در آب نیافکنند و در خاک دفن نمیکردند. چون معتقد بودند که باید آب و خاک و آتش را از آلودگی و پلیدی حفظ کرد. اجساد را بر فراز کوه یا مکان بلندی قرار میدادند تا مرغان و یا سگها و حیوانات درنده آنها را بخورند. در آئین زرتشت ریاضت و مرتاض مآبی بهیچ وجه تأکید نشده است. ریاضت جزء اعمال احمقانه و گناه انگیز که کمك کار تنها دشمن بشر یعنی اهریمن است قلمداد میشود.

بطور کلی از نظر این آئین ریاضت و مرتاض مآبی مردود شده است. زرتشتیان احترام زیادی به عناصر آب و خاک و آتش میگذاشتند. اما برای آتش احترام بیشتر قائل بودند از این رو آنها را بعنوان آتش پرست میشناسند. احترام بآتش خود نمودی از پاکی خلوص و تصفیه است.

تشابه آئین زرتشت با آئین یهود و عیسی.

تشابه فراوان و قابل ملاحظه ای در مذهب زردشت و آئین یهود و عیسی موجود است. اهورامزدا خدای بزرگ، فرمانده مقتدر، عالم متعال و قادر مطلق است و خود را از طریق اسپنتامین (۱) بانسانها میشناساند. همانطور که در آئین مسیح از طریق روح القدس جلوه گری مینماید. در کتاب زرتشت اهریمن و در میثاق با عهد قدیم شیطان وجود دارد و همان عقیده ای که در پایان شیطان مغلوب شده و بشر از تباهی نجات مییابد نیز در اوستا ذکر شده که در

قسمت اول این مقاله درباره آن سخنی بمیان آمده . در اوستا نیز مانند اسفارتورات بخصوص سفریبدایش دربارهٔ یددایش جهان ذکر می‌باشد . است همچنین از یک زن و مرد بنامهای موشبا (۲) و موشیانا (۳) مانند آدم و حوای تورات ذکر و توصیفی بمیان آمده است . تشابهی از جهت شعائر مذهبی نیز تا اندازه‌ای وجود دارد . بطور کلی اصول عقاید زرتشت تحت تأثیر دین یهود نیز واقع گردیده است . یهودیت نه تنها در مملکت زرتشت بلکه در عقاید ایرانیان نیز مؤثر واقع گردید .

مسلک و آئین زرتشت مورد قبول ایرانیان واقع شده و از آنجا بارمنستان و کاپا دو کیه رفت و دامنهٔ وسعی بخود گرفت . ساسانیان در عهد خود معبد بزرگی برپا ساختند .

موبد موبدان رئیس روحانیون بود و قدرت معادلی مانند قدرت پادشاه داشت . مرکز موبدان در ری پایتخت مدها بود .

مکتب جدیدی در عهد ساسانیان روی کار آمد و بالاخره این مکتب جدید یعنی اسلام در سال ۶۳۶ میلادی همراه با جنگها و کشتارهای فراوان مذهب زرتشت و پیروان این مکتب را از میان برد . امروز تنها گروه معدودی از پیروان آئین زرتشت در بعضی شهرهای هند بخصوص بمبئی وجود دارند . در ایران نیز گروهی از زرتشتیان زندگی میکنند .

1 - Moshya 2 - Moshyana

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

صفحهٔ جدید موسیقی

در آزمایشگاه ضبط صوت کنسرواتوار گورکی رمز ضبط اصوات فوق-العاده طولانی در روی یک صفحه کشف شده است . مثلاً برای «یوگنی - اونگین» که مدت اجرای آن به سه ساعت میرسد کاملادر روی یک صفحه ضبط میشود .